

## بررسی تحلیلی، تطبیقی تجربه تولید گروهی

(بنه و مشاع) در بخش کشاورزی ایران

دکتر مهدی طالب

دانشیار علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

### چکیده

وجود واحدهای بهره‌برداری تولید گروهی در مناطق کم‌بارن حواشی کزیر در ایران، که متناسب ساختار مالکیتی و مدیریتی پدید آمده بود، با انجام اصلاحات ارضی (تقسیم زمینهای زراعی) در دهه ۱۳۴۰ به سرعت از حیات جامعه روستایی کشور رخت بربست. از میان همیاربهدی سنتی، این شیوه تنها شیوه‌ای بود که در آن زارعان نیروی کار (فقط نیروی کار) را به صورت مشترک در واحد بهره‌برداری داشتند. در سالهای پس از اصلاحات ارضی، سیاست‌گذاران و دولتمردان به انحاء مختلف کوشیدند با تقویت واحدهای متوسط و بزرگ کشاورزی، اثرات نامطلوب تقسیم زمینها (از نظر نطفع زمینهای زراعی و از بین بردن مدیریت روستایی) را کاهش دهند. شرکتهای سهامی زراعی، کشت و صنعت‌های دولتی و خصوصی و تقویت واحدهای بهره‌برداری سرمایه‌داری، به دلیل عدم حمایت جدی از کشاورزی و تخصیص بودجه‌های محدود از درآمدهای حاصل از نفت، خاصه پس از افزایش قیمت آن، موجب گردید تا کشاورزی کشور دچار چالش جدی گردد. با پیروزی انقلاب اسلامی همه صاحب‌نظران، از مسلمان و نامسلمان، از داخلی و خارجی و... جملگی، کوچکی واحدهای زراعی، پرکندگی و نطفع اراضی زراعی را که با شکست واحدهای سهامی زراعی و مصادره واحدهای

سرمايه‌داري همراه بود، علت اصلي ضعف توليد کشاورزي در کشور مي‌دانستند. لذا دولت‌مردان، تقسيم اراضي پيس از انقلاب اسلامي را به صورت مشاعي انجام دادند و حتي در واگذاري زمينهاي مصادره شده نيز اين شيوه را برگزیدند. مطالعات انجام شده در باب اين شيوه توليد گروهی، مابين شکست آنها و تقسيم اراضي مربوط بين اعضاي مشاع‌ها مي‌باشد. با اينکه ادعا مي‌شود اين شيوه (مشاع‌ها) از واحد توليدي گروهی (بنه‌ها، حراثنه‌ها، پاگاوها، صحراها ...) سنتي اقتباس شده است، ليکن تفاوتهاي اساسي با بنه‌هاي سنتي دارند. در اين مقاله به بررسي تجربه مشاع‌ها در کشور پرداخته شده و دلایل فروپاشي آنها، از جمله فرق‌هاي عمده‌اي که با شيوه سنتي بهره‌برداري گروهی سنتي؛ يعني بنه‌ها دارند، بيان شده است.

واژه‌هاي کليدي: واحد بهره‌برداري توليد گروهی، همياري، تعاون سنتي، مشاع‌ها.

#### مقدمه

کشاورزي، خاصه زراعت، در ايران به دليل کم‌آبي از گذشته‌هاي دور داراي ویژگیهاي خاصي بوده است. زندگي در روستاهاي کوچک و پراکنده و روابط توليدي خاص بين زارعان و مالکان، از جمله اين ویژگیها است. متفکران اجتماعي معاصر در تبیین شرايط حاکم بر اجتماع زراعي و سازمان توليدي در ايران پيش سرمايه‌داري، گاهي از مفهوم شيوه توليد آسیايي و گاهي از مفهوم شيوه توليد فئودالي و در برخي از موارد (به ويژه برای دوره‌هاي قبل از اصلاحات ارضي) از مفهوم اتصال شيوه‌هاي توليدي استفاده کرده‌اند. برای مثال، احمد اشرف روابط توليدي و مناسبات موجود در سازمان توليد زراعي در گذشته تاريخي ايران را اينگونه توصيف مي‌نمايد: "روابط رعایا با متصرفان و مالکان اراضي، که عبارت بودند از متصرفان خالصات و تيولات ديواني، متصرفان موقوفات شرعي و صاحبان املاک اربابي و خرده‌مالکان، در همه موارد کم و بيش يکسان بود؛ بنای کار بر مزارعه و مساقات که از نهادهاي شرعي و عرفي بود، قرار داشت." (ثوودورثين، ۱۹۷۹، به نقل از احمد اشرف، ص ۲۵).

در عين حال، بررسيهاي جامعه‌شناختي حاكي از آن است که سهم‌بري بر اساس مزارعه

(عوامل مزارعه عبارتند از: زمین، آب، بذر، شخم و کار) اساس کار بهره‌برداری از زمین‌های زراعی را تشکیل می‌داد. این شیوه بهره‌برداری به دو صورت در کشور رایج بود: بهره‌برداری فردی و بهره‌برداری گروهی.

استاد صفی‌نژاد بر اساس مطالعات نسبتاً جامعی که در این مورد انجام داده است، خاستگاه شیره بهره‌برداری گروهی (بنه، صحرا، حراثه و یا...) را مناطق کم‌آب کشور دانسته‌اند (به شمای شماره یک نگاه کنید). به فاصله کوتاهی پس از انجام اصلاحات ارضی (تقسیم زمین‌های زراعی) واحدهای تولید گروهی که وجه غالب شیوه بهره‌برداری در مناطق وسیعی از کشور بود، از بین رفتند و عموماً به واحدهای بهره‌برداری فردی تبدیل شدند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، مقوله اصلاحات ارضی اسلامی به دلایل زیر در سطح جامعه مطرح شد:

۱- اعتراضات برخی از روستاییان به دخالت مأموران دولتی و... در امر تقسیم اراضی در دوره‌های دوم و سوم اصلاحات ارضی و پیگیری ادعاهایی که بر زمین‌های مستثنی شده از تقسیم اراضی دهه ۱۳۴۰ تأکید داشتند.

۲- اعتراضات گروه قابل ملاحظه‌ای از روستاییان که در جریان تقسیم آب و زمین، بخشی از زمین و آب خود را؛ یعنی حدود نیمی از نسق خود را از دست داده بودند و به دنبال زمین بیشتری بودند. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که آب و زمین و تقسیم آن از شقوق مرحله دوم اصلاحات ارضی بود. همچنین این شق در مرحله سوم اصلاحات ارضی جای اجاره‌داری را گرفت.

۳- مصادره برخی از اراضی زراعی سرمایه‌داران، درباریان و کسانی که یا محکوم به اعدام شده بودند و با اینکه از کشور گریخته بودند و ادعاهایی که در مورد این زمین‌ها مطرح شده بود.

۴- تعرضات برخی از روستاییان به اراضی بایر و موات در روستاهای کشور و حفر چاه‌های عمیق غیر مجاز و به زیر کشت بردن اراضی جدید. مثل آنچه که برخی از روستاییان در منطقه



مروست و هرات از استان یزد انجام داده بودند.<sup>(۱)</sup> این فعالیت به دنبال عدم توجه به مقررات دولتی و حفر چاه عمیق در مناطقی صورت گرفت که تا پیش از آن ممنوع اعلام شده بود.

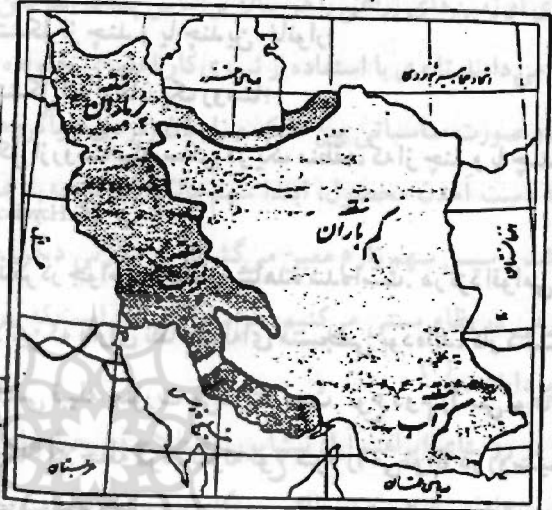
۵- نکات دیگری که در سطح مناطقی مثل کردستان، دشت گرگان... مطرح شده بود؛ به این ترتیب که برخی از مالکان سابق با نوسل به نیروهای خود و در غیاب نفوذ و قدرت دولت، زمینهای تقسیم شده در دوره اصلاحات ارضی را باز پس گرفته بودند؛ ولی ادعای زارعان بر زمین‌ها کماکان موجود بود. (اشرف، ۱۳۶۱، ص ۲۵)

این مسائل علاوه بر انتقاد نسبتاً گسترده‌ای بود که از جانب گروههای سیاسی به نحوه انجام اصلاحات ارضی دهه ۴۰ مطرح شده بود. انتقادات مزبور به نحوی بود که گروههای مذهبی، ملی و چپ، اهداف سیاسی اصلاحات ارضی را بر ابعاد اقتصادی و افزایش محصولات زراعی مقدم می‌دانستند. با توجه به مسائل پیش آمده در جریان اصلاحات ارضی دهه ۴۰ و انتقادات گروههای سیاسی از آن، در اصلاحات ارضی اسلامی از واگذاری اراضی دایر، بایر و حتی موات، در قالب واگذاری انفرادی، احتراز کرده و بر توزیع زمین به صورت گروهی تأکید شد. تکیه بر نوع واحد بهره‌برداری گروهی؛ یعنی همان بنه و یا صحرا، در کشور بهانه‌ای به دست داد تا این شیوه بهره‌برداری را در هنگام تدوین مقررات مربوط به احیاء و واگذاری اراضی زراعی به کار گیرند و اصطلاح واگذاری به صورت مشاع را برای این مهم برگزیدند.<sup>(۲)</sup>

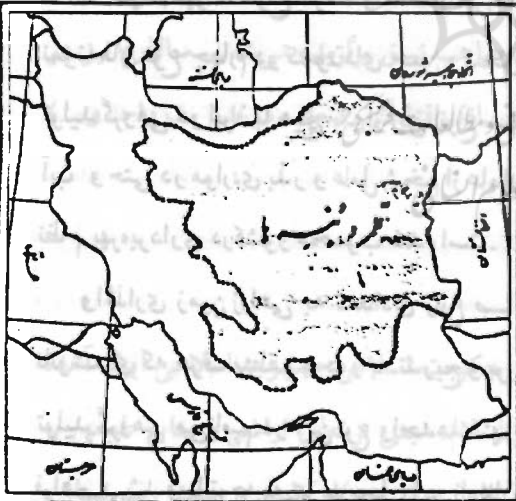
سؤال اصلی این مقاله بررسی دلایل از بین رفتن بنه‌ها با انجام اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ و شکست تجربه بهره‌برداری مشاعی در دوره پس از انقلاب اسلامی می‌باشد. به این ترتیب که سعی دارد با استفاده از اسناد و مدارک موجود، فلسفه وجودی و کارکردهای واحدهای تولید گروهی را بررسی کرده و سپس علل روی‌آوری مقامات نظام جمهوری اسلامی را به استفاده از شیوه تولید گروهی در واگذاری اراضی زراعی مورد مطالعه قرار داده، تفاوت‌های اساسی این دو شیوه (بهره‌برداری مشاع و بهره‌برداری در قالب بنه) را برشمرده و به بررسی علل شکست تجربه مشاع در کشور بپردازد.

شمای شماره ۱

تقسیم منطقه ای ایران به تفکیک مناطق  
پرمدن درجاب . گروهی که آرد



توزیع اعداد ایستنی آلودگی  
در ایران (۱۳۵۰)



(به نقل از ۵۶۸ و ۵۷۰ کتاب بنه در ایران)

## واحدهای تولیدگروهی

می‌توان به اشکالی از این واحدها بر حسب ترکیب عوامل کار اشاره داشت:

- ۱- واحدهای اشتراکی و یا گروهی متشکل از یک خانواده بزرگ و یا یک نبیله؛
- ۲- واحد اشتراکی و یا گروهی متشکل از چند و یا چندین خانوار؛
- ۳- واحد اشتراکی و یا گروهی متشکل از زارعان یک روستا؛
- ۴- واحد اشتراکی یا جمعی متشکل از روستاییان ساکن در یک منطقه، که از چند و یا چندین

روستا تشکیل می‌شود. (G.Hoyois: 1968. p 217)

مصادیق واحدهای گروهی فوق‌الذکر در جوامع مختلف مشاهده شده است. در نزد اقوامی در افریقا و یا سایر کشورهای امریکای لاتین که دارای نظام قبیله‌ای منسجمی بوده‌اند، کارکشت و زرع توسط اعضای قبیله و بر روی اراضی قبیله صورت می‌گرفته است. نوع دوم را می‌توان در یوگسلاوی سابق و تحت عنوان زادروگا\* ملاحظه کرد. نمونه نوع سوم را می‌توان در روسیه و تحت عنوان میر\*\* سراخ گرفت و یا کیوتص‌های فلسطین اشغالی را در این گروه جای داد. نمونه‌های نوع چهارم در کمون‌های چین و کلخوزهای شوروی سابق مشاهده می‌شود. واحدهای تولیدگروهی در ایران با هیچ یک از این انواع سنخیت ندارد؛ زیرا در ایران همواره مالکیت زمین، آب و حتی در مواردی بذر و عامل شخم از عامل کار جدا بوده است و نظام سهم‌بری وجه غالب نظام بهره‌برداری در کشور محسوب شده است.

واگذاری زمین زراعی به تعدادی زارع صاحب نسق از جانب مالک و تحت مقررات نانوشته‌ای که عرف منطقه بوده و به تدریج و بر اساس نیازهای محلی شکل گرفته بود را، واحد تولیدگروهی می‌نامیم. در این نوع واحدها، تنها عامل کار بود که به طور مشترک توسط زارعان فراهم می‌شد و با توجه به عرف محل، این زارعان به وسیله فردی که به عنوان مدیر واحد، توسط

مالک منصوب شده بود، از بین زارعین صاحب نسق برگزیده می‌شد و در هر سال زراعی امکان جابجایی زارعین وجود داشت. در مقابل این نوع بهره‌برداری، در مناطقی از کشور مالک و یا ایادی او زمین‌های زراعی را هر ساله بر اساس پشک انداختن (قرعه‌کشی) در اختیار یک فرد زارع قرار می‌دادند تا وی با استفاده از نیروی کار اعضای خانواده خود، در آن واحد به کار بپردازد. در هر دو صورت مناسباتی بین مالک و زارعان (فردی و یا گروهی) وجود داشت. از جمله اینکه پس از به دست آمدن محصول، ابتدا سهم مالک (با توجه به عوامل تولیدی متعلق به وی) تعیین می‌شد و سپس سهم زارع معین می‌گشت. به عبارتی دیگر، در ایران وقتی صحبت از واحد تولید گروهی در نظام سنتی می‌کنیم، مراد نیروی کار است که به شکل فردی و یا گروهی به کار می‌پرداختند. (۳)

در روستای ابراهیم‌آباد نیشابور، اصطلاح «صحرا» برای واحد تولید گروهی به کار می‌رفت و در روستاهای زابل نیز اصطلاح «باگاو» مصطلح بود. سرپرست واحد را در ابراهیم‌آباد سالار می‌گفتند و اعضای واحد، هر ساله از بین زارعان صاحب نسق برگزیده می‌شدند. سالارها نیز هر سال منصوب می‌شدند و در مواردی (بر اثر پیری، ازکارافتادگی، ضعف در مدیریت واحد و...) برکنار می‌شدند. (۴)

مشاع‌ها در مقدمه قانون واگذاری و احیاء اراضی در حکومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران آمده است: (با توجه به اصول و موازین شرع مقدس اسلام، مبنی بر تعلق اراضی و منابع طبیعی به آفریدگار بزرگ و بهره‌گیری انسان از این مواهب الهی بر اساس کار مفید در جهت رفع نیاز و خودکفایی جامعه و به منظور تشویق و حمایت از کار و کوشش و همکاری افراد در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و جلوگیری از معطل ماندن بی‌مورد منابع آب و خاک، مقررات ذیل در



مورد نحوه زمین‌داری و ترتیب واگذاری و احیاء و بهره‌برداری از اراضی به تصویب و به مرحله اجراء گذاشته می‌شود.

در ماده ۱۰ این قانون حق تقدم در واگذاری زمین با رعایت سایر شرایط، به ترتیب برای ساکنین محلی با حداقل سه سال سابقه سکونت در محل، داوطلبانی که متعهد به سکونت در محل شوند، تحصیل‌کرده‌های کشاورزی، دامپزشکی و دامپروری به شرط عدم اشتغال و کارمندان دولت به شرط تری اشتغال یا بازنشستگی یا با خرید خدمت در نظر گرفته شده است. نکته مهم و اساسی که در تبصره این ماده از قانون آمده، این جمله است: "انفراد مذکور در این ماده در صورتی که به صورت گروهی و بنه‌ای درآمده و شرکتهایی برای فعالیت دسته‌جمعی تشکیل دهند، بر سایر داوطلبان متفرد حق تقدم خواهند داشت."

به طوری که ملاحظه می‌شود از همان آغاز، فکر احیای بنه در اذهان مسئولان بوده و برای جبران مافات؛ یعنی شکست کشاورزی پس از اصلاحات ارضی، که نظر کلیه گروههای سیاسی از راست تا چپ و از مسلمان تا نامسلمان بود، تولید گروهی را مدنظر داشتند. دلیل این امر به احتمال قوی، انتشار کتاب استاد صفی‌نژاد تحت عنوان "بنه" و شهرت این اثر بود؛ اگر چه در این اثر مفید هیچ‌گاه، به وجود بنه در همه مناطق کشور اشاره نشده است. در اصلاحیه مربوط به این قانون که در ۱۱ اسفندماه سال ۵۸ به تصویب شورای انقلاب رسید، در ضوابط واگذاری تعدیلی صورت گرفت: "در واگذاری زمین به روستائیان بدون زمین، کم‌زمین و فارغ‌التحصیلان کشاورزی و افراد علاقه‌مند به کار کشاورزی، با توجه به اولویت بین آنها زمین داده می‌شود." در بند ۳ ضوابط واگذاری زمین آمده است: "زمین‌های واگذاری به صورت شرکت، تعاونی و مشاع می‌باشد...." به طوری که ملاحظه می‌شود، برای اولین بار لفظ مشاع در این اصلاحیه به کار برده شده است و آن را معادل شرکت و تعاونی دانسته‌اند.

در اصلاحیه‌ای که به فاصله چند روز بعد به این قانون صورت گرفت (۱۳۵۸/۱۲/۲۸) علاوه



بر مورد فوق، شرایطی نیز اضافه گشت. از جمله این شرایط موارد زیر بود: غیر قابل فروش بودن زمین واگذاری، منع معطل ماندن زمین بدون عذر موجه، کشت محصولات مورد نیاز جامعه اکه در آن دوره گندم و جو بیشتر مورد توجه بوده است)، موظف نمودن زارعان به حفظ سازمان اراضی (یعنی مشاعی بودن و یا عدم تفکیک آنها) و منع روستائیان از تصرف زمین های دیگر، غیر از آنچه دولت اسلامی واگذار کرده است. در کمتر از یک ماه بعد، نانون مزبور مجدداً اصلاح شد و در بند ب ماده یک آن اراضی آباد شده توسط افراد یا شرکتها که دادگاه صالح اسلامی به استرداد آنها حکم داده بود و نیز اراضی بایر که قبلاً دایر بوده و بر حسب ملاکهای رژیم قبلی، ملک اشخاص یا مؤسسات شمرده می شد، به زمین های قابل واگذاری اضافه شد. این امر در حالی بود که هنوز ضوابط واگذاری را همان ضوابط پیش گفته تشکیل می دادند. به این ترتیب، با اینکه قانون رسماً جز در مورد اراضی بزرگ، که در قالب واحدهای بزرگ کشت و صنعت و مکانیزه و باغات بهره برداری می شدند و تقسیم آنها به مصلحت جامعه نبود، واگذاری زمین به صورت نردی را منع نکرده است؛ ولی روح قانون و نظرات مسؤلان و کارشناسان، جملگی بر توزیع زمین به صورت مشاعی بود و لذا حاصل اصلاحات ارضی دوره اسلامی تشکیل واحدهای مشاع برد. به این ترتیب که برای واگذاری اراضی موات و بایر، عنوان مشاع را به کار می بردند و اصطلاح شبه مشاع را برای توزیع واحدهای مکانیزه (مثلاً در دشت گنبد) به کار گرفتند.

## مقایسه کارکردها و ویژگی‌های واحدهای تولید گروهی (بنه‌ها) و مشاع‌ها

ویژگی‌ها	عوامل تولید	واحدهای تولید گروهی بنه	واحدهای تولید گروهی مشاع
	زمین	زمین نه تنها در مالکیت مالک بود؛ بلکه هر ساله نیز به صورت پشک اندازی بین واحدها تعویض می‌شد.	زمین به صورت مالکیت خصوصی و به شکل مشاع در اختیار زارعان به صورت ۵ ساله و پس از طی این مدت، با رعایت مقررات، به صورت دایم به مالکیت اعضای مشاع درمی‌آید (۵)
	آب	مالکیت آب و تأمین آن بر عهده مالک بوده و از آنجا که بنه‌ها در مناطق کم‌آب و عمدتاً از طریق قنات تأمین می‌شده است؛ لذا تنقیه و تعمیر قنات با مالک بود و از بیگاری زارعان در این میان استفاده می‌شده است.	در مشاع‌ها آب زراعی عمدتاً از طریق حفر چاه عمیق و یا حفر چاه در مادر چاه، قنات قدیمی و خشکیده، تأمین می‌شد؛ لذا مالکیت آب نیز مثل زمین با زارعان بود. همچنین تغییر موتور چاه و تهیه گازوئیل و روغن و... بر عهده اعضای مشاع می‌باشد. سرپرست مشاع که ظاهراً منتخب اعضای بوده وظیفه هماهنگی در این زمینه را داشته است. (۶)
	بذر	تأمین بذر بر اساس صرف محل متفاوت بود؛ ولی عمدتاً مالک آن را تهیه می‌کرد. بذر گندم و جو را مالک می‌داد و سایر بذور را مالک به طور یک جا، برای بنه‌ها تأمین می‌کرد. برای مثال عقد قرارداد کشت چغندر قند، پنبه و... با مالک بود. به این ترتیب این نوع بنه‌ها را بنه اربایی می‌گفتند. در برخی دیگر از مناطق، بذر را گاو بند تهیه می‌کرد؛ یعنی تأمین گاو شخم تأمین بذر نیز با وی بود. گاهی نیز گاو بند زارع، بذر، شخم و نیروی کار را تأمین می‌کرد.	با اینکه در آغاز فعالیت این واحدها هیأت‌های هفت نفره احیاء و واگذاری نسبت به تهیه الگوی کشت این واحدها اقدام می‌کردند و نسبت به تأمین برخی از نهاده‌ها از جمله بذر نیز اقدام می‌کرد؛ ولی در هر صورت تأمین بذر بر عهده اعضای مشاع بوده است که معمولاً توسط سرپرست مشاع‌ها تهیه می‌شده است.

<p>در واحدهای مشاع که معمولاً با مساحتی حدود ۶۰ هکتار به ۵ نفر واگذار می‌شود. امکان استفاده از تراکتور (با ۶۰ تا ۸۰ قوه اسب) به دلیل مساحت مناسب می‌تواند مناسب باشد؛ زیرا معمولاً با شرایط کشور، هر قوه اسب برای یک هکتار مناسب است. (۸) هیأت‌های هفت نفره معمولاً به هر یک از مشاع‌ها یک دستگاه تراکتور واگذار کرد که ظاهراً متعلق به همه بوده؛ ولی در عمل از همان روزهای اولیه واگذاری تراکتور، یکی از اعضا سهم بقیه را خریداری کرده و تا مدتی به صورت مزدی برای مشاع کار می‌کرده است. به هر صورت در این نوع واحد گروهی، عامل شخم تراکتور می‌باشد؛ زیرا در ابتدا مشاع‌ها از نگهداری دام، به هر صورت و احداث بنا در اراضی واگذار شده، منع شده بودند. (۹)</p>	<p>تأمین این عامل در مناطق مختلف تفاوتی داشته است؛ به این ترتیب که در بنه‌های اربابی، مالک "گاوکار" و چهارپا را در اختیار اعضای بنه قرار می‌داد و زارعان تنها نیروی کار خود را در بنه‌ها ارائه می‌کردند. در بنه‌های گاویندی (گاویند که دارای چندین رأس گاو کار و چهارپا بود و برای کار زراعی، آنها را در اختیار بنه‌ها قرار می‌داد) گاویند تأمین عامل شخم را بر عهده داشت و سهم خود را از این بابت (معمولاً یک پنجم محصول) می‌برد. در بنه‌های دیگر برخی از اعضای بنه هر یک، مالک یک تا دو رأس "گاوکار" و به همین تعداد چهارپا برای کار بنه بودند و به هنگام توزیع محصول علاوه بر سهم نیروی کار خود سهمی بابت عامل شخم نیز می‌گرفتند. (۷)</p>	<p>عامل شخم (گاوکار و الاغ)  عوامل تولید</p>
--	--	--

عوامل تولید	<p>کار در بنه‌ها یا واحدهای تولید گروهی سنتی، تنها عاملی که توسط زارعان صاحب نسق تأمین می‌شد، نیروی کار بود. در بنه‌های اربابی این عامل تنها عامل تولیدی ارائه شده از جانب زارع بود. در بنه‌های گاوبندی برخی از اعضای بنه علاوه بر "عامل کار" گاهی عامل شخم را نیز تأمین می‌کردند؛ ولی ترتیب کار به گونه‌ای بود که نیاز به آوردن عامل شخم توسط تمام اعضای بنه نبود. نکته مهم این‌که در هنگام عضوگیری، سر بنه‌ها یا سالارها به تعداد اعضای خانوار و وضعیت فیزیکی عضو عنایت داشتند؛ زیرا در انجام برخی از امور زراعی مانند وجین پنبه و چغندر، استفاده از اعضای خانواده‌های عضو در بنه لازم بود (۱۰)</p>
<p>تأمین نیروی کار مانند سایر عوامل تولید، بر عهده اعضای مشاع بوده است. از ابتدا به دلیل عدم دقت کافی در واگذاری مشاع‌ها به افراد واقعاً لایق در داخل مشاع‌ها، عدم یکسانی نیروی کار به وجود آمد (به دلیل تفاوت در سن، تفاوت در توان کار و تفاوت در کار زراعی اعضای مشاع و...). در واقع همه اعضای مشاع سابقه کار کشاورزی را نداشتند. کار کشاورزی تقویم سالیانه و روزانه خاص خود را دارد؛ به طور مثال سحرخیزی و گاهی شب‌نخوابی برای آبیاری و نگهداری از مزرعه برای ممانعت از حمله حیوانات، از جمله گراز ر... فرهنگ خاص خود را دارد. با اینکه اولی‌ترین عامل مشترک در مشاع‌ها نیروی کار بوده است؛ ولی به دلایل گفته شده و تفاوت تعداد اعضای خانواده‌ها برای کار در مزرعه و همین عدم سابقه یکسان در امر کشاورزی و ناهماهنگی‌های مختلف ناشی از خرده‌فرهنگ‌ها، مشکلات جدی بر سر فعالیت مشاع‌ها ایجاد شد. اختلاف در این زمینه‌ها زودتر از اختلاف در مورد مالکیت عامل آب و... خود را نشان داد. (۱۱)</p>	



<p>از آنجا که واگذاری زمین توسط هیأت های هفت نفره صورت گرفته است، در برخی از مناطق اعضای مشاع را به طور تصادفی و بدون جلب رضایت قبلی آنها انتخاب کرده اند. بعلاوه عموماً افراد، بدون داشتن سابقه همکاری با یکدیگر و صرفاً به خاطر دریافت زمین و امکانات، حاضر به عضویت در گروه شده اند. در برخی دیگر از مناطق که سلسله مراتب قومی قوی وجود داشته، یکی از اعضای بانفوذ طایفه فهرست اعضای گروه را به "هیأت هفت نفره" داده است. نکته مهم اینکه این عضویت دائمی بوده و هر یک از اعضای گروه نه تنها می‌بایست با یکدیگر کار می‌کردند؛ بلکه در مالکیت آب و زمین نیز با هم شریک ابدی بودند. بنا بر توصیه هیأت هفت نفره، اعضای مشاع می‌بایست یک نفر را از میان خود به عنوان سرمشاع انتخاب کنند و برای ارتباط با هیأت و مدیریت واحد تولیدی معرفی نمایند. این نرد گاهی از طریق توانایی در برقراری ارتباط با مقامات دولتی، گاهی به دلیل سن، گاهی به دلیل موقعیت طایفه‌ای و... انتخاب می‌شدند. به عبارتی دیگر، انتخاب مدیریت واحد مشاع از پایین به بالا بوده است که مشکلاتی از باب تبعیت از وی پدید آورده است. (۱۲)</p>	<p>تقریباً در غالب مناطق، مالک یا نماینده او (در مورد مالکان غایب) نسبت به نصب تعدادی از زارعان با تجربه اقدام می‌کردند. این انتصاب بر مبنای عوامل مختلفی از جمله وابستگی خانوادگی و سابقه قبلی صورت می‌گرفت. انتخاب مجدد آنها موکول به طاعت از مدیریت مالک و به دست آوردن محصول مناسب و به‌کارگیری مناسب زارعان بود. این افراد منتخب مدتی فرصت داشتند تا از میان زارعان صاحب نسق روستا، تعداد اعضای لازم (بر حسب اینکه پنه در آن روستا چند نفری باشد) را برگزینند. تمایل زارع و سرپنه، هر دو، در این میان نقش داشت و حتی هدایا و یا رشوه‌هایی برای قبول عضویت زارع در یک بنا رایج بود. در هر صورت انتخاب مدیریت واحد پنه از بالا به پایین بود؛ یعنی سرپنه اعضای پنه را برمی‌گزید. (۱۲)</p>	<p>مدیریت در سطح واحد گروهی</p>
--	---	---------------------------------

<p>زمینهای واگذار شده از طریق اجرایی "قانون احیاء و واگذاری اراضی" در روستاهای مختلف قرار داشتند؛ یعنی در روستاهایی که به رغم وجود سابقه بته در آنها، در سالهای پیروزی انقلاب اسلامی به صورت فردی کشت و زرع می‌کردند. در عین حال واگذاری برخی اراضی وافع در اطراف شهرها (مثل اراضی فرودگاه در شهر سمنان) و یا حاشیه‌ای بودن زمین‌های واگذاری نسبت به روستاهای قدیمی، حالت یکپارچگی واحدهای تولید را از بین برده و حتی در مواردی مشاع‌ها همسایه یکدیگر نیز نبودند؛ زیرا با حفر چاه عمیقی در منطقه‌ای با فاصله، یک مشاع ایجاد شده و ممکن بود فاصله با مشاع بعدی به چند کیلومتر برسد. منابع آب مشاع‌ها با یکدیگر مشترک نبوده و هر یک از این بیابت استقلال داشتند؛ لذا یکی از مشکلات اساسی در زمینه برنامه کشت و الگوی فعالیت در این گونه واحدها عدم هماهنگی و نبود سازمانی عرفی و یا رسمی است تا برنامه کشت این گروه را با سایر بهره‌برداران هماهنگ نماید. (۱۵)</p>	<p>در هر روستا، اعم از روستاهای بزرگ مالکی یا خالصه و یا حتی روستاهای خرده مالکی، معمولاً چند یا چندین بته یا واحد تولید گروهی وجود داشت. الگوی کشت و سازمان واحدهای مزبور در هر روستا شبیه هم بود؛ به گونه‌ای که با تعویض قطعات اراضی مربوط در هر سال زراعی و یکسانی نوبت آب و... سعی در همسانی شرایط بته‌ها داشتند و این امر مهمترین عامل برای مقایسه میزان تولید آنها بوده و مالک از طریق این مقایسه به ارزیابی کار هر بته می‌پرداخت. در روستاهای خراسان سر سالار وظیفه این هماهنگی (بین صحراها) را داشت و در سایر مناطق، مالک و یا نماینده وی این امر را عهده‌دار بود. آبیاران (سربینه‌ها) و یا سالارها و... موظف به تبعیت از نظام و برنامه کلی کشت و کار در روستا بودند و لذا به ندرت ناهماهنگی مشهود بود. (۱۴)</p>	<p>در سطح روستا یا سایر واحدهای گروهی مجاور</p>	<p>مدیریت</p>
--	--	---	---------------

<p>در اراضی مشاع حق واگذاری به غیر، چه به صورت فروش و چه به صورت اجاره، وجود نداشت؛ ولی به دلیل عدم آشنایی اعضای مشاع به انجام برخی از کشت‌ها مثل صیفی (خصوصاً در اطراف تهران) این اراضی به صورت سهم‌بری واگذار می‌شده است. در مناطق دامغان و سمنان و حتی گرمسار، اعضای مشاع بخشی و یا تمامی زمین‌های خود را به صورت نصفه‌کاری در اختیار زارعان با تجربه منطقه قرار می‌دادند. در جیرفت نیز چنین مواردی گزارش شده است. اعضای مشاع، زمین و آب را در اختیار صیفی‌کاران قرار داده و آنها نیز به صورت بنه‌های قدیمی (بنه نیروی کار) به کشت خربزه و یا طالبی و هندوانه در اراضی یاد شده مبادرت کرده و نیمی از محصول را می‌برده‌اند. (۱۷) در آغاز، این واگذاری جنبه عمومی داشت؛ ولی بعد از تفکیک و تقطیع زمین‌ها بین اعضای مشاع، هر دو یا سه نفر، این نوع مناصفه‌کاری را با صیفی‌کاران انجام می‌دادند. برخی از دلایل عمومی واگذاری اراضی مشاع از جانب اعضاء آن در مراحل آغازین، عبارت بودند از ناآشنایی اعضای مذکور به کشت (به ویژه کشت‌های تجاری)، نیاز به نیروی کار فراوان جهت کشت و زرع (محصولات خاص) و مواردی از این دست. (۱۸)</p>	<p>در روستاهای مربوط به دولت یا خالصه، ممکن بود اراضی هر بنه ر یا کل اراضی روستا به اعضای بنه، به صورت یک تا سه ساله، اجاره داده شود. در این صورت به جای دریافت سهم هر بنه می‌بایست مبالغی جنسی و نقدی بابت محصول به صورت یکجا و یا به دفعات پرداخت می‌شد. از آنجا که امکان بروز آفات زراعی و یا خسارات طبیعی وجود داشت، لذا در اجاره‌نامه شرایط ارزیابی خسارات و... پیش‌بینی می‌شد. (۱۶)</p>	<p>اجاره‌داری در روستاهای خالصه</p>
	<p>برخی از مالکان غایب از ده و آنهایی که توان مدیریت دائم و از نزدیک بر بنه‌ها را نداشتند، ممکن بود محصول بنه‌ها را یا به یک نفر اجاره‌دار و یا به اعضای بنه و یا به سرپرستان بنه‌ها اجاره دهند و میزان اجاره را به صورت نقدی یا جنسی دریافت کنند.</p>	<p>در سایر روستاها</p>



<p>در مشاع‌های ایجاد شده و یا حتی در شبه مشاع‌های تشکیل شده در اراضی مکانیزه (مثل دشت گنبد)، به دلیل استفاده از چاه عمیق و برخی از وسائل نوین آبیاری، ریسک‌های بیشتری زارعان را تهدید می‌کرده است. معیوب شدن موتور پمپ چاه عمیق در مناطقی مثل سیستان و بلوچستان، نه تنها نیاز به وجوه قابل ملاحظه‌ای برای خرید قطعات و آوردن مکانیک داشت؛ بلکه چند روز تأخیر در این کار، کل محصول را نابود می‌کرد و زارع را از هسنی ساقط می‌ساخت. همکاری هیأت‌های هفت نفره در این موارد کافی نبوده و مقررات اداری روندی بیش از چند روز و یا هفته را می‌طلبید؛ لذا بروز کوچکترین مشکل برای منبع آب و یا هجوم آفتی که نیاز به مقابله سریع داشت، اعضای مشاع را وامی داشت که برای نجات محصول به نزدیکترین میسرترین منبع مالی مراجعه کنند. این مراجعات که در شرایطی نابرابر و غیرمتعارف عبور می‌گرفت، باعث قبول شرایط ناگواری می‌شد که پس از مدت کوتاهی مالکیت وی را در مشاع از وی می‌گرفت. در سیستان و بلوچستان تعداد زیادی از این مشاع‌ها به دلیل بدی اعضای مربوط در اختیار چند نفر از متنفذان منطقه قرار گرفته است. (۳۰)</p>	<p>در واحدهای تولید گروهی، مالک علاوه بر مدیریت کلی روستا و بنه‌های آن، به مسائل مالی و نیازهای نقدی و جنسی بنه‌ها نیز توجه داشت و لذا علاوه بر تأمین هزینه‌های جاری بنه‌ها (مثل تهیه گوشت و قند و چای مصرفی روزانه)،<sup>(۱۹)</sup> تأمین هزینه‌های اساسی مربوط به قنات و با منبع آب را نیز برعهده داشت و اگر اعضای بنه نیاز به گندم و یا علوفه داشتند و خود قادر به تأمین آن نبودند، برای مانعیت از افتادن آنها به دامان پهلوران و یا دکانداران، مالک کمک‌های لازم را به آنها می‌کرد و به هنگام برداشت محصول و یا فروش صیفی‌جات، مبالغه داده شده را کسر می‌کرد. تقاوی، مبلغی بیش از مساعده بود که مالک برای خرید وام یا "گاوار" در اختیار سربنه و یا عضوی از بنه می‌گذاشت. مرگ ناگهانی دام و ... مالک را وامی داشت تا مبلغی به صورت تقاوی در اختیار وی گذاشته و سپس به تدریج و از محصول چند سال زارع کسر نماید. به عبارت دیگر، مالک همواره مراقب بود تا مانع از استثمار زارعان نشن از طریق عوامل انگلی گردد.</p>
--	--



رقابت و  
پاداش  
کاری

در هر روستا کلیه عوامل تولید (زمین، آب، بذر، شخم و کار) با یکدیگر مساوی بودند. هر قطعه از اراضی روستا بر اساس مرغوبیت و دوری و نزدیکی به روستا و شیب و سایر عوامل مؤثر بر زراعت، بین تعدادی بنه تقسیم می شد و هر ساله زمین های هر واحد بر حسب پشک (قرعه) تعیین می شد؛ لذا بنه ها نفاذی با هم نداشتند. بذر نیز از لحاظ کیفیت و کمیت یکسان بود و سهم آب و نوبت مربوط نیز برای هزینه یکسان بود و تعداد جفت گاو بنه ها نیز برابر بود. برای مثال در یک روستا بنه ها دو جفتی و یا سه جفتی بود. تعداد اعضای هر بنه نیز معین و مثل هم بودند؛ لذا مالک توقع داشت که محصول آنها نیز برابر باشد؛ اگر چه ممکن بود به دلیل تفاوت تعداد اعضای خانواده آنها، میزان کار در بنه ها (برای وجین یا کندن چغندر) فرق کند. به این ترتیب به هنگام برداشت محصول، مالک به سرنه ای که بهترین و بیشترین محصول را برداشت می کرد پاداش می داد و بدترین آنها را، اگر تفاوت محصول فاحش بود، مؤاخذه کرده و حتی ممکن بود از سرینه ای خلع کند. این نظام رقابتی موجب تلاش و کوشش بیشتر اعضای بنه شده و حتی مراقبت آنها از گزند به محصول که می توانست ناشی از ورود دامهای اهلی و یا حیوانات وحشی باشد، را بیشتر می کرد.

در مشاع ها رقابتی سیستماتیک وجود نداشت، به این ترتیب که نه تنها میزان اراضی در اختیار، بلکه نوع آب (شوری و سنگینی) و توان اعضای مشاع و... نابرابر بود. رقابتی بین مشاع ها وجود نداشت؛ چرا که هر واحد جدا بود و ممکن بود تا چند کیلومتر در اطراف آنها مشاعی وجود نداشته باشد. در واحدهای شبه مشاع که با واگذاری اراضی مکانیزه در اختیار قرار گرفته بود، این مکان (یعنی برقراری رقابت) وجود داشت؛ ولی از آنجا که هر یک از اعضای مشاع از همان آغاز نسبت به تفکیک زمین های خود حتی به صورت کوبیدن میله های فلزی و... اقدام کرده بودند، لذا نه تنها موضوع رقابت در افزایش تولید مطرح نبود و کسی هم از آنها این رقابت را طلب نمی کرد؛ بلکه هر یک به فکر ایجاد مسکن در زمینهای خود و نگهداری یکی دو رأس گاو و کشت مایحتاج خود در آن اراضی بودند. لذا مقوله رقابت موضوعیت نداشته و هر چه از زمین برداشت می کردند، صرف هزینه های زندگی کرده و مازاد آن را در راه تجارت صرف می کردند. این در حالی بود که در همین اراضی شبه مشاع که قبلاً در دست سرمایه داران اراضی بود، مالک پس از کشت یک پارچه اراضی، به هنگام داشت، اراضی را بر حسب تعداد اعضای خانوار زارع، به نسبت هر نفر نیم هکتار، تقسیم می کرد و سهم هر خانوار را با کشیدن طناب مشخص می کرد تا بر اساس برداشت بنه سهم آنها را به جای مزد پردازد.

<p>در بنه‌های هر روستا، بنا بر طبیعت و اقلیم منطقه، کشت‌های مختلفی صورت می‌گرفت؛ ولی به طور کلی کشت غلات (زرد برگ) و صیفی‌جات (سبزی‌رگ) در غالب آنها رایج بوده است. سهم مالک و اعضای بنه بر اساس عواملی که در بنه داشتند، متفاوت بود؛ ولی به طور مثال سهم مالک از غلات حدود نصف و سهم وی از صیفی جات حدود یک سوم (به دلیل نیاز به نیروی کار بیشتر) بود. مالک سهم خود از گندم و یا جو را، سرخرمن تحویل می‌گرفت و زارعان موظف بودند آنها را به انبار مالک منتقل نمایند. فروش غلات (پس از کسر میزان مورد نیاز برای مصرف و یا بذر سال بعد) به عهده مالک بود که رأساً به بازار شهر عرضه می‌کرد. ولی گاهی محصول را به صورت سلف به فروش می‌رساند و زمانی نیز آن را برای عرضه به قیمت مناسب، در زمانی پس از فصل برداشت، انبار می‌کرد. تسخیر و فروش محصولات صیفی (مثل چغندر قند و یا پنبه و یا توتون و...) عمدتاً با مالک بود. کما اینکه عقد قرارداد کشت با سازمانهای دولتی را نیز مالک عهده دار بود. مالک پس از فروش محصول و دریافت وجه مربوط، نسبت به تسویه مساعده و یا تقاوی ... اقدام کرد، و مابقی را به بنه‌ها می‌پرداخت تا اعضای بنه طبق عرف بین خود تقسیم کنند. (۲۳)</p>	<p>فروش محصولات</p>
<p>در آغاز اعضای مشاع موظف بودند، برنامه کشت هیأت‌های هفت نفره را به اجرا بگذارند؛ ولی نکته مهم در این میان تقسیم سهم هر یک از اعضای مشاع بر سر خرمن بود. ممکن بود برخی از محصولات تجاری و یا صیفی را "سرمشاع" به بازار عرضه کند و وجه آن را بین اعضای مشاع تقسیم نماید؛ ولی نظر اعضای مشاع در تملک و تصمیم‌گیری راجع به سهم خود از محصول، مهم و تعیین کننده بود. اگر چه عمر کشت مشترک مشاع‌ها زیاد طول نکشید؛ ولی در هر صورت آن حالت یکپارچگی در عرضه محصول، که در نظام بنه‌ها وجود داشت، در مشاع‌ها زمینه لازم (۲۴) برای اجرا را نداشت.</p>	

### علل فروپاشی واحدهای تولید گروهی بنه

با اینکه گروهی از محققان چگونگی تقسیم اراضی را در جریان اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ عامل اصلی و یا تعیین‌کننده در فروپاشی واحدهای تولید گروهی؛ یعنی بنه‌ها می‌دانند، ولی می‌توان از تأثیر عوامل دیگری در این میان نیز یاد کرد. واگذاری زمین‌های زراعی از آنجا که بیشتر دارای بعدی سیاسی بود تا اقتصادی (طالب، مهدی، ۱۳۷۳، صص ۱۳۰-۱۲۰) لذا نسق زراعی را، حتی در بنه‌ها ملاک تقسیم قرار دادند. به این ترتیب که آخرین قطعات اراضی را که در نظام ارباب و رعیتی در اختیار اعضای بنه بود، به آنها واگذار کردند و چون روستاهای ایران فاقد

نقشه کاداستر\* بودند، لذا روستائیان عضو بنه همان زمین‌ها را که از چندین قطعه (برحسب مرغوبیت و دوری و نزدیکی زمین به محل روستا و...) تشکیل می‌شدند، صاحب شدند. به این ترتیب که اگر بنه در سه آیش زمین دارای مثلاً ۱۲ قطعه زمین بود و تعداد اعضای بنه نیز پنج نفر بودند، ۱۲ قطعه زمین به ۶۰ قطعه تبدیل شد و هر زارع سهم خود را متناسب با سهمی که از محصول می‌برد، در اختیار گرفت. به عبارتی، شاعی بودن اراضی روستا و تقسیم بر اساس نسق امکان یک چنین تقسیمی را داد و هیچ عاملی قانونی و با عرفی مانع این تفکیک نبود. شوق علاقه به لمس مالکیت و در اختیار قرار گرفتن زمین آنها را واداشت تا ظرف مدتی کمتر از پنج سال از اجرای قانون، واحدهای تولید گروهی را به واحدهای تولید فردی تقسیم کنند.

برهم خوردن نظام مدیریت روستا و عدم جایگزینی عملی و کارکردی تعاونی‌های روستایی مشارکت‌ها و همیاری‌های معمول در لایروبی قنوات و انبار را نیز تا حدودی منتفی کرد و ظرف مدت کوتاهی چند هزار قنات در کشور خشکید. در سالهای پس از اصلاحات ارضی و با گسترش کشت‌های تجاری، خصوصاً صیفی‌کاری، برخی از اشکال بنه که در گذشته در اطراف تهران و قمی‌کاران مشهور بودند (صافی‌نژاد: ۱۳۶۸) تشکیل شدند. در مناطقی از جیرفت زارعان یزدی در فصل کشت صیفی به صورت تشکیل بنه‌های فامیلی و ... فعالیت می‌کنند و یا بسیاری روستائیان سرخه (روستای بزرگی در نزدیکی سمنان) در مناطق استان سمنان و نقاط همجوار تشکیل بنه‌های خاص (با استفاده از چند نفر افغانی) همین کار را انجام می‌دهند؛ برخی از زارعان اصفهانی نیز این فعالیت را در خوزستان انجام می‌دهند ولی ویژگی همه این نوع بنه‌های جدید تأکید بر نیروی کار اعضای بنه است و زمین و آب متعلق به مالکان مربوط می‌باشد. این گروه کشاورزان فاقد حق نسق بوده و به صورت نوعی اجاره‌داری عمل می‌کنند. این گروه با مراجعه مالکان آب و زمین که خود ممکن است از زارعین باشند، قراردادی یک ساله برای کشت فلان نوع صیفی منعقد می‌نماید و طبق همان قرارداد، محصول و یا مبالغ حاصل از فروش محصول را به



خود تفسیم می‌کنند. معمولاً تأمین آب و زمین و بخشی از هزینه نهاده‌های زراعی مثل کود و سم و... با صاحب زمین و تأمین نیروی کار و بخشی از هزینه‌ها با عامل کار می‌باشد. منعقدکننده قرارداد، همکاران خود را از میان کسانی که ممکن است اصولاً ساکن محل نیز نباشند برای مدت قرارداد انتخاب می‌کند. معمولاً ترتیب همکاری را به صورت تعلق سهمی از محصول برای هر یک از همکاران می‌دهند؛ این شیوه کار که تا حدودی رو به گسترش می‌باشد، دارای مزایا و محدودیتهایی است که جای مطالعه دارد.

اگر به طور خلاصه بخواهیم علل فروپاشی نظام تولید گروهی؛ یعنی بنه و... را ذکر کنیم، می‌بایست به تغییر ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روستاها اشاره داشت. بنه‌ها محصول آن بستر و شرایط بودند؛ به محض اینکه ساختار به هم ریخت، دیگر عاملی برای حفظ این سازمان تولید وجود نداشت و سایر عوامل که برخلاف عامل کشت گروهی بودند، فرصت اثرگذاری پیدا کردند. (۲۵)

علل روی گردانی روستائیان از کشت جمعی را می‌توان ناشی از حذف استقلال اقتصادی و مدیریت تولیدی هر یک از زارعین در واحدهای تولید گروهی دانست.

### علل عدم توفیق مشاع‌ها

عدم توفیق تجربه مشاع‌ها در کشورمان دارای علل مختلفی می‌باشد. بر اساس مطالعات انجام شده می‌توان نکات زیر را در این مورد مؤثر دانست:

۱- میل به دارا بودن مالکیت شخصی در روستائیان و یا روستازادگان به قدری جدی است که می‌توان آن را در حد امری فطری قلمداد کرد. روستائیان اقتدار و احترام را نتیجه وضعیت مناسب اقتصادی،... و دارا بودن مالکیت زمین‌های زراعی می‌دانستند و داشتن مالکیت شخصی بر زمین را به عنوان آرزویی دست‌نیافتنی قلمداد می‌کردند. فراهم آمدن زمینه مالک شدن از طریق مشاع تنها نیاز به یک قدم دیگر برای داشتن مالکیت مفروز محسوب می‌شده است؛ خاصه اینکه بخش اعظم روستائیان، در چند دهه قبل از آن نیز به مالکیت دست یافته بودند و همین امر روستائیان



فاقد زمین را به شدت تحریک می‌کرد.

۲- روحیه فردگرایی، به رغم وجود تعاونیهای سنتی و انجام کارهای گروهی، دارای زور قوی بوده است. سهم و نقش هر خانوار در تولید، بر اساس تلاش‌های فردی حاصل می‌شده است و مسئولیت تأمین هزینه‌های خانوار بر عهده مسؤول مربوط بود. همچنین روستایی به دلایل خصائل برگرفته از طبیعت و شرایط اقتصادی و اجتماعی، محافظه‌کار بوده و حاضر نیست مسئولیت اقتصادی خود را با دیگری تقسیم کند.

۳- بر اساس آیین‌نامه و قانون مربوط به روستائیان بی‌زمین، بخش قابل ملاحظه‌ای از اعضای مشاع‌ها را کسانی تشکیل می‌دهند که یا سابقه کارهای دیگر در محیط‌های شهری داشته‌اند و یا کارمند دولت، یا فارغ التحصیل کشاورزی و یا بیکار بودند. در عین حال، اعضای مشاع‌ها توجه به نقش نداشتن در انتخاب یکدیگر، آمادگی و زمینه تولید گروهی را نداشته‌اند. زمینه‌های کارهای قبلی آنها، به صورت کاسبی و با کارگری و یا حتی کارمندی دولت، با شیوه کار مشاع متفاوت بوده و از ابتدا به این نوع فعالیت آشنا نبودند.

۴- به فرض اینکه بقایای این شیوه تولید و فرهنگ مربوط، در برخی از مناطق کشور حواشی کویر وجود داشته باشد، دلیل آشنایی همه روستائیان کشور، مثل روستائیان مناطقی چون گیلان و مازندران، آذربایجان، مناطق کوهستانی خراسان و... نمی‌باشد و در واقع نوعی پدیده نوین برای این مناطق محسوب می‌شود و از آنجا که اشاعه شیوه‌های نوین در جوامع روستایی رونق خاص خود را دارد و به مروجان کاردان نیاز دارد، این شیوه مانوس همه مناطق روستایی کشور نبوده است.

۵- کار گروهی در مشاع‌ها نیازمند حضور همه اعضای مشاع در مزرعه بیوده است. عدم تجانس این اعضا در داشتن سابقه کار کشاورزی، تفاوت آنها در سن که گاهی به بیش از سی سال می‌رسید، تفاوت بعد خانوار اعضای مشاع‌ها، عدم آشنایی برخی از اعضای خانواده مشاع‌ها، کار کشاورزی و فعالیت روی زمین زراعی، عدم تمایل به کار زراعی همسر و فرزندان برخی از افراد، ناهماهنگی فرهنگ حاکم بر خانوارهای عضو مشاع‌ها، عادات متفاوت اعضای مشاع‌ها، شروع ساعات کار روزانه، تفاوت دانش کشاورزی اعضای مشاع‌ها، دوری محل زندگی

خانواده‌های اعضای مشاع با زمین‌های واگذار شده ... آیا می‌تواند موجب هماهنگی کامل اعضای مشاع‌ها و اعضای خانوارهای آنها در کشت و زرع روی زمین، به صورتی که در بنه‌ها رواج داشت، باشد؟

۶- رشد روابط سرمایه‌داری به واسطه ورود عامل پول، به عنوان مابه ازای کار انجام شده در روستا، استفاده از نیروی کار اضافی مورد نیاز را با پرداخت مزد روبرو می‌کرد. بخشی از اعضای مشاع که یا دارای نیروی کار خانوادگی فعال نبودند و یا در صورت دارا بودن، آنها حاضر به کار در روی مزارع نبودند. مجبور بودند تا از وجود کارمزد بگیر استفاده کنند. این امر که در کشاورزی سرمایه‌داری متداول است، برای اعضای مشاع ناخوشایند و تأمین هزینه‌های مربوط، دشوار بود.

۷- هیأت واگذاری زمین در برخی از مناطق، به روستائیان کم‌زمین نیز زمین واگذار کرده بود و آنها را به عضویت مشاع‌ها درآورده بود. این گروه که می‌بایست علاوه بر فعالیت روی زمین‌های شخصی خود (که از طریق اصلاحات ارضی و یا ارث دریافت کرده بودند) در اراضی مشاع نیز کار کنند، عملاً امر هماهنگی را دشوار می‌ساخت، و معمولاً کار مشاع را لنگ می‌گذاشت.

۸- بروز اختلافات بین اعضای مشاع‌ها از همان روزهای اول دلایل گوناگونی می‌توانست داشته باشد؛ یکی از عوامل که اهمیت ویژه‌ای داشت، وجود اختلاف سلیقه‌ها بود: برخی به کار کشاورزی سنتی آشنا بودند و باورها و اندوخته‌هایی داشتند که به سهولت حاضر به رها کردن آنها نبودند، برخی دیگر فارغ التحصیل کشاورزی بودند که از نظر تئوری آگاهی‌هایی داشتند، ولی تاکنون بیل به دست نگرفته بودند و فرق بوته‌گندم از پنبه را تشخیص نمی‌دادند، برخی نیز جوانتر بودند و برخی مسن‌تر. (۲۶)

۹- با وجود آنکه هیأت‌های هفت نفره احیاء و واگذاری زمین نگهداری دام را در مشاع‌ها ممنوع اعلام کرده بودند، برخی از اعضای مشاع‌ها که از روستائیان بی‌زمین و یا کم‌زمین بودند، از قبل دارای تعدادی دام بودند. نگهداری آنها در مشاع نه تنها ممنوع بود؛ بلکه مورد مخالفت بقیه اعضا نیز قرار می‌گرفت و در کنار مورد فوق، اختلاف نظر در تنظیم برنامه کشت سالانه نیز وجود داشت، به طوری که عده‌ای مایل به کشت علوفه بودند و گروهی با این امر مخالفت می‌کردند. (۲۷)

۱۱- واگذارن اراضی به صورت مشاعی به منظور امکان استفاده از ماشین‌های کشاورزی بود

و نظر بر این بود که این واحدها با تولید کشت‌های اساسی و به کارگیری شیوه‌های نوین، بر میزان تولیدات کشاورزی بیفزایند و بتوانند شعار 'کشاورزی محور استقلال' را تحقق بخشند. با عنایت به این نکته، به این واحدها که حداقل ۵۰ هکتار مساحت داشتند، تراکتور، موتور پمپ، وانت بار و... واگذار شد؛ ولی از آنجا که نگهداری ماشین آلات به شکل مشاعی و مشترک، مسبوق به سابقه نبود، لذا از همان آغاز ماشین یا تراکتور به یکی از اعضای مشاع واگذار شد و بقیه سهم خود را گرفتند و در مواردی صاحب تراکتور و وانت متعهد شد که انجام کارهای مشاع را در اولویت نزارد. به تدریج این امر نیز کم‌رنگ شده و پس از تفکیک و تقسیم زمینها بین اعضای مشاع، یا فروش اراضی به شخصی ثالث، این تعهد نیز از بین رفت.

۱۲- علت انحلال و یا عدم فعالیت برخی از مشاع‌ها، ناشی از مشکلاتی بود که در مکان‌بایی اراضی و چاهها وجود داشت. مکان‌بایی نامناسب چاهها باعث نرسیدن آب زراعی مناسب شده و این امر، در کنار نبود بازار مناسب جهت فروش تولیدات واحدهای مشاع و مخالفت برخی از طوایف و مدعیان اراضی (بویژه در مناطق جنوبی کشور) باعث شد تا مشکلات جدی بر سر راه بقاء و حیات این واحدها به وجود آید. (۲۹)

### نتیجه

در این بررسی سعی شد علل فروپاشی و رویگردانی روستائیان از واحدهای تولید گروهی، با تأکید بر مطالعات انجام شده، روشن گردد. مطالعات محققان مسائل روستایی، خصوصاً کسائی مثل استاد صفی نژاد و... که بررسی‌های خود را در زمینه واحدهای بهره‌برداری سنتی متمرکز کرده‌اند، نشان می‌دهد که اولاً این واحدها (بنه، صحرا حراثه، پاگاو و...) در روستاهای کم باران و بزرگ مالکی وجود داشته‌اند. کم آبی (عامل طبیعی) و مدیریت مالک برای بهره‌برداری بهینه از آب (عامل انسانی) دو عامل مقوم این گونه واحدها بوده‌اند. اصلاحات اراضی که مدیریت ماک را در روستاها از بین برد، بنه‌ها نیز با طی فرایندی تدریجی از بین رفتند و اکنون اثری از آنها جز در مناطقی که به نوعی زمین و آب متعلق به مالک و جدای از نیروی کار می‌باشد، وجود ندارد. مثل مناطق جیرفت و برخی از مناطق اطراف تهران برای کشت صیفی. یکی از دلایل فروپاشی



بندها را سوء استفاده مالکان یا بنهداران از اعضای بنه می‌دانستند؛ به این ترتیب که مالکان سعی می‌کردند به هر وسیله‌ای که ممکن است، از اتحاد اعضای بنه که جز نیروی کار و تجربه خود ابزاری در اختیار نداشتند و از طرفی مالک شدیداً به این نیرو نیازمند بود، جلوگیری کنند. لذا با انجام برخی خرج‌ها و دادن رشوه‌هایی پنهان و آشکار، سعی داشتند اعضای بنه همواره در حالتی رقابتی به سر برند و حتی از ازدواج اعضای خانواده‌های عضو بنه با یکدیگر (وقتی از یک طایفه و فامیل نبودند) جلوگیری می‌کردند. (صفی‌نژاد، جواد، ۱۳۶۸، صص ۱۷-۱۵) (۳۹)

در مورد دلایل رویگردانی اعضای مشاع از کشت و کار گروهی و تفکیک و تقسیم زمین‌های مربوط بین اعضا و یا واگذاری مزرعه مشاعی به دیگری، به اساس مطالعات انجام گرفته، اشاره شد. می‌توان برخی عوامل را به شرح زیر مورد تأکید قرار داد:

- عدم وجود سابقه و خرده فرهنگ کشت گروهی در همه مناطق کشور.  
 - فروپاشی واحدهای تولید گروهی (بنه‌ها و...) در مناطق کم‌باران کشور که مهد این شیوه بهره‌برداری بوده‌اند، به دلیل حذف نظام مالک و رعیتی و برابر کاری اعضای مشاع به جای خسته‌کاری (سهم‌بری بر اساس نظام مزارعه به این ترتیب که "نیروی کار" چون یکی از عوامل پنجگانه زراعی بوده لذا یک پنجم محصول را نیز می‌برده‌اند).

- به طوری که اشاره شد، تطبیق و یا مقایسه نظام مشاعی با شیوه تولید گروهی (بنه‌ها و...) قیاسی مع الفارق است؛ زیرا در بنه تنها یک عامل مشترک وجود داشت و آن نیروی کار بود؛ در حالی که در مشاعها همه عوامل (عوامل پنجگانه تولید) تولید، مشترک و متعلق به اعضای مشاع است.

- تجربیات سالهای اخیر نشان دهنده ابتکار عمل و راه‌کارهایی است که توسط خود روستائیان در نقاط مختلف کشور به کار گرفته شده است. مطالعه این راه‌کارها می‌تواند در طراحی نظام تولید زراعی مناسب رشد محصولات کشاورزی و توسعه روستایی کشور مؤثر افتد.

### بی نوشت ها

- ۱- منطقه مروست و هرات از نظر تقسیمات کشوری جزء استان کرمان محسوب می شده است؛ ولی برخی از امور اداری آن، از جمله احیاء و واگذاری اراضی با استان یزد بوده است. در این منطقه برخی از روستائیان در زمستان سال ۱۳۵۷ از اعتصاب و رکود فعالیت سازمانهای اداری استفاده کرده و به صورت گروهی نسبت به تصرف و احیاء اراضی بایر و موات اقدام کرده اند. به این ترتیب که هر چند نفر از روستائیان زمینی را تصرف کرده و شروع به حفر چاه نیمه عمیق و عمیق کرده اند. از آنجا که محدودیتی از نظر زمین وجود نداشته است، هر کس می توانسته است با پرداخت مبلغی به افراد پیشتاز و رهبران محلی که در پیدا کردن زمین و یافتن جای مناسب برای حفر چاه مؤثر بوده اند، با آنها شریک شده و سهمی از آب استحصالی گرفته اند. این افراد از ابتدا تصور کشت گروهی را نداشته اند؛ بلکه مشارکت خود را در منبع آب می دانسته اند و از ابتدا هر یک زمین خود را معین و متصرف شده است. ولی چاه آب متعلق به سهامداران بوده است. (نتیجه مشاهده و مصاحبه نگارنده در محل اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۴)
- ۲- در بحث از مالکیت خصوصی در شرع مقدس به دو نوع مالکیت خصوصی اشاره می شود: مالکیت مفروز و مالکیت مشاع. در فرهنگ فارسی معین مفروز چنین تعریف شده است: "... ملکی که سهام مالکان مشترک آن تحدید حدود شده باشد،... (معین، ۱۳۷۱، ص ۴۲۷۰). واژه مشاع در فرهنگ معین چنین شده است: "... زمین یا جز آن که ملک مشترک چند تن باشد و حصه های آنان تقسیم نشده باشد. آنچه مشترک و تقسیم ناکرده باشد. (معین، ۱۳۷۱، ص ۴۱۲۸)
- ۳- اطلاعات بیشتر در مورد تعریف بنه را می توان از کتاب "بنه" استاد صفی زاده، از انتشارات امیرکبیر، و مقالات دکتر مرتضی فرهادی، منوگرافی ابراهیم آباد نیشابور، از پروفیسور موریانو استاد ژاپنی و نگارنده که در سال ۱۳۴۵ توسط بخش تحقیقات روستایی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران منتشر شده است، به دست آورد.
- ۴- افرادی که برای سرپرستی واحدهای تولید گروهی برگزیده می شدند، در هر منطقه عنوانی داشتند. مثل آبیار در اطراف تهران و قروین، سالار در منطقه خراسان و...، لذا دارای حیثیت اجتماعی برتر از سایر زارعان بوده اند و سعی می کرده اند با جلب رضایت مالکیت منصب خود را محفوظ بدارند؛ ولی امکان تعویض و خلع آنها نیز وجود داشته است. برای اطلاع بیشتر به کتاب بنه مراجعه شود.
- ۵- در بسیاری از مناطق، هیأت های هفت نفره احیاء و واگذاری زمین (ترکیب این هیأت طبق مصوبه

۲۶ فروردین ماه ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی عبارتند از: دو نفر نماینده وزارت کشاورزی، یک نفر نماینده وزارت کشور یا استانداری محل، یک نفر نماینده جهاد سازندگی، یک نفر نماینده حاکم شرع و ولی امر و دو نفر نماینده مردم ده به تأیید نماینده حاکم شرع) با انجام مطالعاتی در مورد زمین‌های مناسب کشت، عرف محل و مقدار زیننی که به آنها می‌بایست واگذار شود و تعیین محل حفر چاه عمیق با مشورت با نمایندگان وزارت نیرو و... اقداماتی انجام داده و مقدار و محل زمین را معمولاً آنها تعیین می‌کردند (مشاهدات و مصاحبه‌های نگارنده در سمنان، دامغان، یزد، نهاوند و... از سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷).

- ۶- مطالعات انجام شده در زمینه همیاری اعضای مشاع در تأمین آب زراعی و نوبت بندی و استفاده موتوربان و... در مقاله‌ای تحت عنوان "واحدهای تولید گروهی: مشاع" که به عنوان نشریه دو گروه آموزشی تعاون و رفاه اجتماعی به صورت پلی‌کپی تکثیر شده است. این مقاله بر اساس مطالعات انجام شده نگارنده در استانهای سیستان و بلوچستان، سمنان، همدان و... تدوین شده است.
- ۷- نحوه تقسیم محصول در ابراهیم آباد نیشابور به این ترتیب بوده است که مثلاً در مورد تقسیم محصول غلات، مالک که تأمین کننده زمین، آب و بذر بوده است (معادل بذور مصرفی را در سرمحصول از خرمن برمی‌داشته است) نیمی از کل محصول را صاحب می‌شده است؛ یعنی  $S/2$ . بقیه محصول متعلق به زارعان و عامل شخم بوده است. برای تمهیم محصول، هر رأس گاو کار و یک رأس الاغ را معادل یک عضو صحرا در نظر گرفته (یک رأس گاو نر + یک رأس الاغ = یک عضو مشاع) و از آنجا که تعداد اعضای صحرا پنج نفر بوده است و هر صحرا دارای دو جفت گاوکار و ۴ رأس الاغ برای حمل و نقل کود حیوانی به مزارع و حمل محصولات به روستا و... بوده است؛ لذا سهم زارعان به ۹ قسمت تقسیم می‌شد (اعضای صحرا ۵ نفر + ۴ رأس گاوکار و ۴ رأس الاغ) زارعی که یک رأس گاوکار و یک رأس الاغ به صحرا آورده بود، معمولاً دو نهم ( $9/2$ ) سهم زارعان و یا یک هیجدهم کل محصول غلات را داشت و در صورتی که زارع عضو صحرا فاقد عامل شخم بود، یک نهم ( $9/1$ ) سهم زارعان و یا یک هیجدهم ( $18/1$ ) کل محصولات غلات را صاحب می‌شد. به نقل از مونوگرافی ابراهیم آباد.
- ۸- مقاله دکتر بابوردی صفحه به نقل از مجموعه مقالات اولین کنگره توسعه کشاورزی در ایران، ۱۳۱۷ از انتشارات وزارت کشاورزی.
- ۹- در یکی از روستاهای میرجاوه نزدیک میل ۷۲، روستاییان عضو مشاع معتقد بودند مالکیت وسیله‌ای



که حرکت می‌کند (وسیله نقلیه اعم از اسب یا گاو، تراکتور و وانت) نمی‌تواند مشترک و مشاع باشد. لذا از همان ابتدای تحویل وانت و تراکتور آن را به یکی از اعضای مشاع (معمولاً سرمشاع) فروختند و در صورت استفاده از آن وسیله، اجرت آن را می‌پرداختند.

۱۰- در بررسی‌های انجام شده از انواع واحدهای تولید گروهی یا بنه نام برده می‌شود. بنه‌های ارباب و رعینی، بنه‌های اربابی، بنه‌های گاو‌بندی، و بنه‌های قمی کار و... در همه این بنه‌ها آورده زارعان حداقل نیروی کار بوده است. به عبارت دیگر، اصلی‌ترین عامل تشکیل بنه، مشارکت زارعان بوده و عامل شخم نیز در برخی از مناطق توسط بعضی از اعضای بنه فراهم می‌شده است. برای اطلاعات بیشتر به کتاب بنه، نظماهای سستی در ایران، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۶۸ از استاد صفی‌نژاد، و کتاب "کشاورزی سستی ایران" براساس اسناد جنوب تهران، دوران قاجاریه" از انتشارات مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۷۵ از استاد صفی‌نژاد و دکتر ابرهارد کروگر مراجعه شود.

۱۱- در منطقه فرودگاه، واقع در حدود ۷ کیلومتری شرق شهر سمنان، حدود ۲۰ واحد مشاعی ایجاد شده است که در همان سال اول با مشکل مربوط به ناهمخوانی نیروی کار مواجه شدند. در یکی از این مشاع‌ها ترکیب اعضای مشاع به این ترتیب بود: یک نفر مستخدم مدرسه ساکن در شهر سمنان با ۵۷ سال سن و فاقد فرزند در خانواده، یک نفر با حدود ۲۳ سال سن و مجرد و برق‌کار ساکن در تهران بومی سمنان، دیگری دارای حدود ۵۸ سال سن و دارای شغل بنایی در سمنان دارای همسر سن و یک دختر ساکن در سمنان، یک نفر دیلم بیکار که با شخص قبلی (بنا، نسبت خویشاوندی داشت، و بالاخره یک نفر از روستایان روستای اطراف که به علت کم‌زمینی عضو مشاع شده بود. (نتایج مشاهدات و مصاحبه‌نگارنده در سال ۱۳۶۳) مورد نپاوند و واگذاری اراضی دیر مصادره شده نیز به همین ترتیب به خوش‌نشینان (کسانی که در روستا ساکن هستند و به فعالیتهای غیرزراعی می‌پردازند) و اقشار فقیر روستا واگذار شده بود. این گروه نیز سنجیتی از لحاظ کاری با یکدیگر نداشتند. (به نقل از مقاله واحدهای تولید گروهی:

مشاع‌ها)

۱۲- پس از انتخاب یا انتصاب سربنه یا سالار، وی می‌توانسته است اعضای بنه را از یک طرف با توجه به توانایی، خویش و قومی (مثلاً سن بودن پدر یا عم و یا برادری که توانایی کافی را نداشته است)، دارا بودن گاو کار، تعداد اعضای خانواده برای کارهای زنانه، و... انتخاب کند و از طرف دیگر ترکیب اعضا طوری باشد که ضمن اطاعت از سربنه و یا سالار، میزان تولید بالایی داشته باشند تا سربنه مورد توییح قرار

نگیرد. (به مطالب مربوط به خوشاوندی در بنه‌ها، جستجوی خانه‌ها، و تعاریف و رقابتهای پنهانی در بنه‌ها در صفحات ۱۶۲ تا ۱۶۸ کتاب بنه مراجعه شود)

۱۳- در مورد چگونگی تعیین سرمشاع‌ها در منطقه جیرفت به صفحه ۹۷ مطالعه‌ای که توسط مرکز تحقیقات روستایی وزارت کشاورزی تحت عنوان "بررسی مشاع‌ها در جیرفت" در سال ۱۳۶۶ منتشر شده، توضیح کافی داده شده است. در مورد چگونگی انتخاب سرمشاع‌ها در استان سیستان و بلوچستان، خصوصاً در منطقه چاه شور، دلگان و... در واقع در شرق ایران‌شهر به صفحه ۱۰۶ و ۱۰۷ کتاب "چگونگی انجام مطالعات اجتماعی" از نگارنده، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۶۹. در این مناطق و منطقه میرجاوه هفت نفره زمین‌ها را پس از آماده سازی اولیه به پایین‌ترین رده‌های عشایری منطقه واگذار کرده‌اند؛ ولی به دلایل ویژگیهای فرهنگی و خرده‌فرهنگهای مربوط، به سرعت این مشاع‌ها عنوان سردار به خود گرفتند. در یکی از روستاها پیرمرد بلوچی ضمن تعریف و تمجید از نظام جمهوری اسلامی ادعا می‌کرد که: "چه خوب شد سردار... را (منظورش سردار قبلی منطقه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بود) از منطقه تاراندید و یک سردار اسلامی (منظورش سربنه بود که از بین اعضای طایفه برگزیده شده بود) برای ما تعیین کردید".

۱۴- روستا را مجموعه‌ای طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌دانستند که مدیریت کلی آن را مالک برعهده داشت. مسائل مربوط به تناوب کشت، تعداد آیش‌ها، برنامه کشت، نظام آبیاری و از جمله تعیین واحدهای بهره‌برداری و... علی‌الاصول برعهده مالک بود که بسیاری از آنها از گذشته‌های دور به صورت سنت و عرف درآمدہ است. هماهنگی بین واحدهای بهره‌برداری و رعایت الگوی کشت را نماینده مالک و سربنه‌ها و یا سالارها عهده دار بودند. تفصیل این امر در چاپ دوم کتاب "مدیریت روستایی" تألیف نگارنده از انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ آمده است.

۱۵- دلایل متعددی برای این ناهماهنگی وجود دارد، از جمله اینکه این واحدهای تولید گرومی یا مشاع‌ها در برخی از مناطق روستایی تشکیل شدند و آن هم در فاصله از روستا، و به عبارت دیگر داخل در نسق روستاها نبودند. در مورد توزیع اراضی مزارع مکانیزه نیز رعایت هماهنگی بین یک واحد شبه مشاع دارای مشکلات عدیده‌ای بود؛ چه رسد به هماهنگی بین شبه مشاع‌ها و آن دسته از قطعات اراضی که در دست صاحبان آنها باقی مانده بود. واگذاری بخشی از زمین‌ها طبق عرف محل (بر اساس بندج قانون مزبور) موحد بروز اختلاف بین اعضای شبه مشاع‌ها و مالکان قبلی بود. تفصیل این امر در گزارش "علل

کاهش کشت پنبه در منطقه گرگان و دشت" که با همکاری خانم دکتر شادی‌طلب، نگارنده و همکاران دیگر در سال ۱۳۶۷ برای سازمان برنامه و بودجه انجام شده، آمده است.

۱۶- برای اطلاع بیشتر به صفحه ۲۱ کتاب "کشاورزی سنتی ایران" تألیف صفی‌نژاد و دکتر ابرهارد- کروگر مراجعه کنید.

۱۷- مشاهده و مصاحبه نگارنده در نقاط مختلف- از جمله منطقه فرودگاه سمنان و روستای دولت آباد دامغان، در سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸.

۱۸- درآمد حاصل از کشت صیفی قابل قیاس با درآمد حاصل از کشت غلات نبود؛ از طرفی اعضای مشاع عمدتاً به کشت صیفی آشنایی نداشتند، لذا وجود گروههای آماده و مراجعه کننده برای کشت صیفی، مشکلات ناشی از عدم هماهنگی بین اعضای مشاع، درآمد بالای کشت صیفی و... آنها را واداشت تا قبل از تفکیک زمین‌ها بین اعضا، مدتی را به کشت صیفی به صورت سهم‌بری پردازند.

۱۹- به صفحه ۱۲۷-۱۲۴ کتاب طالب آباد تألیف استاد صفی‌نژاد، از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و نیز برای مباحث مزارع پنبه، حرج صحراء و سور و سات دروگران و... در صفحات ۱۴۸ تا ۱۵۱ کتاب پنبه مراجعه شود.

۲۰- مشاهدات محقق در منطقه دلگان، در شمال نهر خاش و در روستاهای ایرانشهر، سراوان (که هم‌راه با دانشجویان دوره دکتری جغرافیای انسانی دانشگاه تربیت مدرس مدت یک هفته به مطالعه مشاع‌های منطقه اشتغال داشت) به موارد عدیده‌ای برخورد شد که به دلیل اشکالاتی که در موتور چاه عمیق پیش آمده بود، یکی از روستائیان توانمند و یا یک نفر شهرنشین با تأمین هزینه‌های مزبور صاحب همه و یا بخشی از مشاع شده بودند. در اراضی شبه مشاع نیز در یکی از روستاهای کلاله، فردی از اعضای مشاع که سابق سرکارگر مالک سرمایه‌دار ارضی بوده، از ضعف مالی اعضای شبه مشاع استفاده کرده و مالکیت چند شبه مشاع را در اختیار گرفته بود و به پیش خرید محصول بعضی دیگر از زارعان مشغول بود.

۲۱- در روستای ابراهیم آباد نیشابور، هر سال مالک قطعه‌های زمین را به سالاری واگذار می‌کرد که بیشترین محصول را تحویل داده بود. وظیفه اعضای صحرا مربوط بیگاری روی زمین مزبور بود که محصول آن بین سالار و مالک تقسیم می‌شد. در کتاب پنبه استاد صفی‌نژاد نیز بخشی به این مقوله اختصاص داده شده است.

۲۲- برای اطلاعات بیشتر به کتاب طالب آباد و پنبه از تحقیقات استاد صفی‌نژاد مراجعه شود.



- ۲۳- برای اطلاعات کامل‌تر به 'منوگرافی ابراهیم‌آباد' نیشابور کار مشترک نگارنده و پرفسور موریوانواز انتشارات بخش تحقیقات روستایی مؤسسه مطالعات تحقیقات اجتماعی سال ۱۳۴۵ مراجعه شود.
- ۲۴- تفصیل فروش محصولات مشاع‌ها در مقاله واحدهای تولید گروهی از کتاب "مشاع‌ها" از انتشارات گروه آموزشی تعاون و رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۶۷ پلی‌کپی آورده شده است. در نشریه شماره ۲۰۸ مرکز تحقیقات روستایی وزارت کشاورزی نیز بحث مبسوطی در این زمینه وجود دارد.
- ۲۵- در صفحه ۱۵ کتاب بنه، استاد صفی‌زاد دلایل خود را در مورد فروپاشی بنه آورده است. وی در بخشی از مقاله مربوط آورده است: "بر طبق اسناد موجود، قبل از اصلاحات ارضی بنه کاران را خمس کار می‌نامیدند؛ زیرا از عوامل پنج‌گانه تولید سستی فقط صاحب نیروی کار بودند. پس از اصلاحات ارضی مالکیت بر عوامل پنجگانه تغییر کرد. خمس کاران که در موارد معدودی صاحب عوامل منقول نیز بودند، به دو عامل غیرمنقول نیز دست یافتند و در مجموع بنه کاران مالک عوامل پنجگانه گردیدند؛ بنابراین خمس کاران قبل از اصلاحات ارضی، "برابری کاران" بعد از اصلاحات ارضی شدند (صفی‌زاد، ۱۳۶۸، ص ۱۵).
- ۲۶- از عدم آشنایی اعضای مشاع به کار کشاورزی به دلیل عدم آشنایی به فرهنگ سستی زراعی در استان سیستان و بلوچستان نکات جالبی مشاهده گردید. مثلاً اعضای مشاع که در سال اول روی قطعه‌ای از زمین گوجه فرنگی و بادمجان کاشته بودند و محصول خوبی عایدشان شده بود، تعجب می‌کردند که چرا هر ساله وضع محصول بدتر و کمتر می‌شود و نمی‌دانستند که پدیده‌ای به نام رعایت تناوب کشت می‌تواند این مشکل را از بین بردارد و یا آبیاری باغ‌های انگور در مشاع‌های میرجاوه در ساعات گرم روز که برگ‌ها و جوانه را می‌سوزاند و... جالب اینکه مهندسی جوان کشاورزی نیز مدعی بودند که حتی در یک وجب مزرعه کار عملی نکرده‌اند و در حالی که به خوبی دنباله‌بدهای تراکتور را می‌شناسد و کاربرد آنها را بلد هستند؛ ولی از نحوه کشت و کار در مناطق کویری اطلاعی ندارند. (به مطالعه بیشتر به مقاله نگارنده تحت عنوان "مسائل ترویج کشاورزی در ایران"، مجموعه مقالات ترویج، جهاد سازندگی سال ۱۳۶۵، دانشگاه فردوسی مشهد، مراجعه شود).
- ۲۷- در چند مشاع در شهر سمنان، میرجاوه و ایرانشهر، خصوصاً منطقه دلگان و چاه شور که بونجه داری رشد خوبی بود و در سال حدود ۲۰ چین بونجه برداشت می‌شد، چنین اختلافاتی مشاهده گردید. در مناطقی مثل میل ۷۲ و چاه شور و برخی از روستاهای کوچک منطقه دلگان، اعضای مشاع‌ها هیچ

گونه آشنایی با کار کشاورزی نداشتند. برای نگهداری موتور چاه عمیق و به کار انداختن آن و نیز تعویض روغن و فیلتر، هیأت توانسته بود یکی از روستازادگان منطقه خاش را که یزدی الاصل بود، به منطقه اعزام کند و از هر چاه عمیق یا مشاع ماهانه مبلغی در حدود ۲۰ هزار تومان دستمزد برایش دریافت می‌کرد. این فرد کارمند هیأت نبود و فقط برای انجام این کار به منطقه اعزام شده بود. اعضای مشاع به دلایل قومی حاضر نبودند از زارعان یزدی به عنوان شریک قبول کنند و لذا ضمن اثرات مفید این جوان در منطقه، اشکالات فراوانی در زمینه کشت‌های زراعی داشتند. (مشاهدات نگارنده سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷).

۲۸- دلایل روی گردانی اعضای مشاع‌ها از کشت گروهی، متنوع و متعدد می‌باشد. به عبارت دیگر، فرهنگ این نوع فعالیت را نداشته‌اند. در پاسخ سؤال مربوط به علل تقسیم زمینها بین اعضای مشاع، غالباً جملاتی نظیر "دیگ شریکی نمی‌جوشد"، "اگر شریک خوب بود، خدا هم شریک می‌گرفت" و نکاتی از این قبیل را همراه با لبخند عنوان می‌کردند. در مناطق جنوبی کشور مثل سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان و... اراضی مشاع به دیگران واگذار شده، است و کسانی که دارای توان مالی و موقعیت محلی بوده‌اند، آنها را صاحب شده‌اند و بعضاً برخی از اعضای مشاع برای آنها کار می‌کنند. در سایر مناطق، اراضی یک پارچه مشاع بین اعضای مشاع تقسیم شده و هر یک روی زمین خود فعالیت دارد برخی از آنها نیز اقدام به فروش زمین خود کرده‌اند (در منطقه فرودگاه سمنان اراضی مشاع که بین اعضای مربوط تقسیم شده، تا هکتاری چند میلیون تومان به فروش می‌رسد و هر عضو مشاع قریب ۱۵ هکتار زمین دارد).

۲۹- کتاب طالب آباد و منوگرافی ابراهیم آباد نیشابور از نمونه‌های دیگر منابعی هستند که این امر را تأیید می‌کنند. مثلاً در ابراهیم آباد، اعضای نه از چهار طایفه ترک، کرد، بلوچ و تات بودند که مالک، مانع از پیوند این طوایف با یکدیگر بود؛ زیرا در نظام مالک و رعیتی ازدواج دختر و پسر با اجازه از مالک صورت می‌گرفت و وی این مجوز را برای تداوم اختلاف و بهره برداری از آن نمی‌داد.

### منابع و یادداشتها

- ۱- اشرف، احمد: مجموعه کتاب آگاه تحت عنوان "مسائل ارضی و دهقانی"، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۱.
- ۲- بایوردی، محمد: برخی از امکانت و برخی از تنگناهای توسعه کشاورزی در ایران، به نقل از

- مجموعه مقالات اولین کنگره ملی بررسی توسعه کشاورزی در ایران، سازمان تحقیقات وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، تهران، ۱۳۶۷.
- ۳- شادی‌طلب، ژاله، و طالب، مهدی و...: علل کاهش کشت پنبه در گرگان و گنبد، سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۶۶.
- ۴- صفی‌زاد، جواد: طالب آباد، از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
- ۵- صفی‌زاد، جواد: بنه: نظام‌های زراعی سنتی در ایران، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸.
- ۶- صفی‌زاد، جواد، کروگر، ایرهارد: کشاورزی سنتی ایران، بر اساس اسناد جنوب تهران، دوره قاجاریه، از انتشارات مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۷۵.
- ۷- طالب، مهدی: واحدهای تولید گروهی: مشاع‌ها، گروه آموزشی تعاون و رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، شماره ۲، جزوه درسی، ۱۳۶۶.
- ۸- طالب، مهدی: چگونگی انجام مطالعات اجتماعی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹.
- ۹- طالب، مهدی: مدیریت روستایی در ایران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۰- مرکز تحقیقات روستایی وزارت کشاورزی و منابع طبیعی: بررسی مشاع‌ها در جیرفت، نشریه شماره ۲۰۸ از انتشارات مرکز تحقیقات روستایی، ۱۳۶۶.
- ۱۱- معین، محمد: فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۲- موریانو و...: ابراهیم آباد نیشابور، بخش تحقیقات روستایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۵.